

## جرم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی

دکتر محمد صالح ولیدی\*

مجید قنبری\*\*

### چکیده:

در عرصه‌ی تقنین قوانین به نوع خاصی از افراد و موضوعات، نظر ویژه‌ای مبذول و قوانین مربوط به آنها در وضعیتی خاص تبیین می‌شود. از آن جمله است وضعیت کارکنان و کارمندان دولت که به واسطه‌ی ارتباط با حاکمیت از حمایتی ویژه برخوردار و بر مبنای همین حمایت و به تبع آن کسب اعتبار، متولی انجام امور دولتی می‌شوند. حال اگر آنها از حمایت مورد نظر سوءاستفاده کنند و در راستای وظایف شغلی خود مرتکب تخلف شوند، به موجب قوانین مربوط به «تعدیات مأمورین دولت» قابل پیگرد و مجازاتند. در کنار جرائمی چون ارتشاء و اختلاس می‌توان از جرم «تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی» به عنوان یکی از بارزترین و شایعترین مصادیق در این خصوص نام برد که به واسطه آن، کارمندانی که وجوه و اموال دولتی یا عمومی سپرده شده به آنها، بر حسب وظیفه‌شان را بدون قصد تملک، به نفع خود یا دیگری مورد استفاده‌ی غیرمجاز قرار دهند، به موجب قوانین موجود، مستوجب تحمل کیفر خواهند بود.

**کلید واژه‌ها:** تصرف غیرقانونی، وجوه دولتی، اموال دولتی، وجوه عمومی،

اموال عمومی، کارمندان دولت.

\* دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز.

\*\* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی (E.mail:majid773q@yahoo.com)

انسان به لحاظ داشتن ویژگیهای خاص خود به عنوان موجودی دارای احتیاجات طبیعی و اجتماعی شامل علائق و خواسته‌های جسمی و روحی، ناگزیر از زندگی با افراد انسانی دیگر و در نتیجه تشکیل اجتماعات بشری است. در همین راستا افراد با جذب و درونی کردن ارزشهای حاکم بر گروه متشکله، به نوعی به کنترل خود می‌پردازند و به منظور دستیابی به اهدافی که به تنهایی قادر به تأمین آنها نیستند، حامی ایجاد نوعی قدرت بیشتر، به واسطه با هم زندگی کردن می‌شوند. لاجرم انسان، اجابت خواسته‌هایش را تنها در ظرف اجتماع می‌جوید که این زندگی اجتماعی بعد از پشت سر گذاشتن دوران سادگی با توجه به تکامل جوامع بشری در نقشهای اجتماعی جلوه‌گر شده و بر همین اساس در دوره تکامل و انسجام، برای هر فرد وظایفی در نظر می‌گیرند و به منظور اجرای صحیح این وظایف، آنها را تحت کنترل و نظارت قرار می‌دهند. به عبارت دیگر با تقسیم وظایف، هر کس به انجام امری خاص می‌پردازد و از این رهگذر، گذران زندگی می‌کند. در همین راستا، برخی جایگاهها و موقعیتها ذاتاً مستعد و موهبای آنند که صاحبان آنها را در ورود به عرصه‌ی فساد و تباهی یاری کنند. از جمله این موقعیتها که می‌توان از آن به عنوان یکی از «آستانه‌های ورود» به عرصه‌ی ارتکاب جرم نام برد، «اشتغال به مشاغل دولتی» و تکیه و پشت‌گرمی به اعطای عالیترین نوع قدرت و اختیار از سوی دولت به کارمندان است که موجب می‌شود که متأسفانه برخی از آنان برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های شخصی خویش از آن قدرت و اختیار اعطایی، سوء استفاده کنند. نتیجه آنکه: اعطای چنین اختیاراتی به آنان، اگر بدون نظارت و کنترل لازم بر عملکردشان همراه باشد، موجبات اشاعه و گسترش تخلف را در دستگاههای اداری فراهم می‌آورد و کم‌کم این پدیده در سطوح مختلف جامعه نیز رسوخ و زیانهای فراوان و جبران ناپذیری را به دولت و امکانات ملی وارد می‌کند. لذا قوای مقننه‌ی خیلی از کشورها به هنگام وضع قوانین، به منظور جلوگیری از ارتکاب و همچنین برخورد با سوء استفاده کارمندان دولت از جایگاه شغلی و پایگاه حکومتی خود، برای آنان محدودیتهای و تضییقاتی قائل می‌شوند. قانونگذار ایران نیز نه تنها از این امر غافل نبوده و در برخورد با این گونه

سوءاستفاده‌ها، قوانینی را به تصویب رسانده‌اند، بلکه نظر خاصی به نوع ویژه‌ای از سوء استفاده کارمندان دولت از جایگاه شغلی خود داشته و با اعتقاد به اهمیت اموال و وجوه دولتی و عمومی، هر گونه تصرف و استفاده غیرمجاز از آنها را حتی بدون قصد مجرمانه در قالب جرم «تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی» قرار داده و با اعتقاد به ارتکاب خیانت توسط مأمورین دولتی نسبت به وجوه و اموال مورد نظر در سالهای ۱۳۰۴، ۱۳۶۲ و نهایتاً در سال ۱۳۷۵ به ترتیب مواد (۱۵۲-۱۵۳)، (۷۶) و (۵۹۸) از قانون مجازات اسلامی را به جرم مذکور اختصاص داده است که بر مبنای آن، کارمندان دولت از تصرف و یا استفاده غیرمجاز از وجوه و اموال موصوف، منع و در صورت ارتکاب، به واسطه‌ی تعرض به آسایش عمومی، مستحق و مستوجب مجازات شناخته شده‌اند.

## مشخصات جرم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی

### مبحث اول: از نظر مرتکب

عنایت به صدر ماده (۵۹۸) قانون مجازات اسلامی، مؤید تصریح قانونگذار به تسری مفاد این ماده به اشخاص خاصی است که عبارتند از: کارمندان و کارکنان ادارات و ...، دارندگان پایه قضایی، نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی که در ادامه، به توضیحاتی پیرامون آنها پرداخته می‌شود.

### ۱- کارمندان و کارکنان

در بررسی‌های صورت گرفته، تعریفی قانونی از این دو اصطلاح بدست نیامد، اما به منظور تبیین یا مرتبط کردن آن به وضعیت موجود مصداق، می‌توان عبارات مورد نظر را به اصطلاح «مستخدم»، مسذکور در قانون استخدام کشوری مصوب

۱- در این خصوص استاد محترم جناب آقای دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی معتقدند: «مأموران دولت اعم از رسمی و پیمانی و روزمزد». (ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ هفتم، سال ۱۳۷۴، شماره ۲۵۱۴، ص ۳۱۶)، که به نظر مطلب ارائه شده تعریف کارمند نبوده و همانگونه که در مطالب آتی تقدیم خواهد شد بیان انواع رابطه‌ی فی‌مابین مستخدمین و دستگاههای متبوعه آنهاست.

۱۳۴۵/۳/۳۱ نزدیک و یا مقارن دانست که در همین راستا و به منظور توضیح مطلب، بیان می‌دارد: به موجب بند (الف) ماده (۱) قانون استخدام کشوری «استخدام دولت عبارت از پذیرفتن شخصی به خدمت دولت در یکی از وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی است». با توجه به ماده (۴) قانون مذکور، مستخدم دولت دو قسم است:

**اول)** مستخدم رسمی و آن «کسی است که به موجب حکم رسمی در یکی از گروه‌های جداول حقوق موضوع ماده ۲۰ برای تصدی یکی از پستهای سازمانی وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی مشمول این قانون استخدام شده باشد».<sup>۲</sup>

**دوم)** مستخدم پیمانی و آن «کسی است که به موجب قرار داد، به طور موقت برای مدت معین و کار مشخص استخدام می‌شود».<sup>۳</sup>

شایان ذکر است که اصطلاح «کارمندان» و «کارکنان» در برخی قوانین تعاریف شده‌اند، منتهی به لحاظ اختصاصی بودن موضوع، تفسیری این تعاریف به دیگر کارمندان و کارکنان خالی از ایراد نیست. به عنوان مثال، در ماده (۲۴) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷ آمده است: «کارمندان، پرسنلی هستند که بر اساس مدارج تحصیلی یا مهارت تجربی و تخصصی، استخدام شده و بدون استفاده از درجات، علائم و لباس نظامی به یکی از رتبه‌های پیش بینی شده در این قانون نائل می‌شوند». یا به موجب بند (۵) ماده (۱) آئین نامه استخدامی نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۲۶ هیأت وزیران: «کارکنان بانک به افرادی اطلاق می‌شود که به موجب حکم صادر شده یا قرارداد منعقد شده به خدمت درآمده باشند». همچنین در بند (د) ماده (۱) آئین نامه اجرایی قانون ممنوعیت ادامه تحصیل کارگزاران در ساعات اداری مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۲ هیأت وزیران: «کارکنان و کارگزاران افرادی هستند که در دستگاه‌ها به صورت تمام وقت به خدمت اشتغال دارند...».

نکته‌ی حائز اهمیت آنست که به نظر برخی نویسندگان، عبارت «کارمند» در حقوق جزا، تعریفی عامتر از حقوق اداری در بر دارد و در سه دسته تقسیم می‌شود:

۲- ماده (۵) قانون استخدام کشوری. مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱.

۳- ماده (۶) قانون استخدام کشوری. مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱.

«اول: کارمندان واقعی که همان مستخدمین دولت هستند، دوم: کارمندان حکمی که به منزله و در حکم کارمند دولت قلمداد می‌شوند مانند کارمندان شهرداریها، کارمندان فعلی که فعلاً و درموقعیت خاصی به عنوان کارمند دولت محسوب می‌شوند مانند نیروهای بسیجی و سوم: کسانی که اصطلاحاً مأمور دولتی نامیده می‌شوند یعنی کسانی که از سوی دولت، مأموریت خاصی به ایشان محول شده است. هرگاه در مواد قانون جزا سخن از مأموران دولتی به میان می‌آید شامل هر سه دسته می‌شود اما هر گاه سخن از کارمندان دولت به میان می‌آید چنان چه هیچ قیدی نداشته باشد، منصرف به مستخدمین دولتی خواهد بود و بقیه کارمندانی که به صورت خاص نام برده می‌شوند، کارمند حکمی هستند مانند بسیاری از افرادی که در ماده ۵۹۸ (ق.م.ا) از آنان نام برده شده است»<sup>۴</sup>.

حال با توجه به قید رسمی یا غیررسمی بودن رابطه‌ی فی‌ما بین اشخاص و ادارات متبوعه‌ی آنها می‌توان گفت: صرف وجود رابطه‌ی کارمندی برای اعمال ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) کفایت می‌کند و نوع آن اعم از رسمی، پیمانی و قراردادی، مد نظر نیست.

## ۲. داریگان پایه قضائی

کارمندان شاغل در دادگستریها و مراجع قضائی با توجه به ماهیت و طبع وظایف محوله به دو دسته‌ی کارمندان قضائی و کارمندان اداری تقسیم می‌شوند:

**الف: کارمندان قضائی**<sup>۵</sup>: کسانی‌اند که «با شرایط لازم و تشریفات قانونی به منظور رسیدگی به دعاوی، جرائم و امور مربوط به صدور رأی، به استخدام قوه قضائیه در آمده‌اند اعم از این که سپس در مشاغل ستادی قوه قضائیه در دادگستری به خدمت مشغول شده و یا به عنوان قاضی نشسته و یا ایستاده (قضات دادسرا) انجام وظیفه می‌نمایند»<sup>۶</sup>. در همین راستا عنایت به آئین‌نامه تعیین گروههای شغلی و ضوابط

۴- زراعت، دکتر عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات ۲)، انتشارات ققنوس، سال ۱۳۸۲، ص ۱۶۶.

۵- یا مأمورین قضایی که «مستخدمین و خدمتگزاران هستند که به نام دولت یا جامعه حق‌گزاری و اجراء عدالت می‌کنند». متین دقتری، دکتر احمد، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم ۱۳۸۱، جلدهای اول و دوم، ص ۹۹.

۶- شمس، دکتر عبدالله، آیین دادرسی مدنی، نشر میزان، جلد اول، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۰، ص ۱۷۲.

مربوط به تغییر مقام و ارتقاء گروه قضات<sup>۷</sup> مؤید تصریح قانونگذار به اسامی و عناوین، دارنده‌ی پایه قضائی است که در این میان برخی به شغل قضا و برخی به انجام امور اجرایی و اداری مشغول می‌باشند<sup>۸</sup>. لذا بر خلاف نظر برخی که دارندگان پایه قضائی را فقط شامل «قضات» دانسته‌اند<sup>۹</sup>، به نظر ما «دارندگان پایه قضایی» به قضات و دادرسان شاغل در محاکم منحصر نبوده بلکه کلیه افراد مصرح در آئین‌نامه پیش گفته، دارنده پایه قضایی محسوب می‌شوند، هر چند به شغل قضا مشغول نبوده و سمتهای اجرایی و اداری داشته باشند.

**ب: کارمندان اداری:** علاوه بر قضات و دادرسان و همچنین مقاماتی که دارای پایه‌ی قضائی‌اند، سایر افراد شاغل در دادگستریها به عنوان کارمندان اداری محسوب می‌شوند که با سمت اداری استخدام شده‌اند و در همین زمینه انجام وظیفه می‌کنند. از بین اینان می‌توان به مدیران دفاتر، تقریرنویسان، ثبات، ضباط و کارمندان اجرای احکام و یا واحدهای ابلاغ<sup>۱۰</sup> مستقر در دادگستریها اشاره کرد.

در نتیجه مفاد ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) در خصوص دارندگان پایه قضائی، شامل اشخاص مذکور در آئین‌نامه تعیین گروههای شغلی و ضوابط مربوط به تغییرمقام و ارتقاء گروه قضات در قالب ۸ گروه شغلی و از پایه ۴ تا پایه ۱۱ قضائی است. همچنین با توجه به اشارهی صریح قانونگذار به اعضاء و کارکنان قوای سه‌گانه، کارمندان اداری دادگستریها نیز شامل حکم این قسمت از ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) می‌شوند و لذا در صورت ارتکاب جرم «تصرف غیرقانونی»، مستوجب مجازات مقررند.

۷- به شماره: ۵/۱۳۸۱ مورخ ۱۳۷۴/۲/۲۴.

۸- به عنوان مثال: در گروه ۵ (دارندگان پایه قضایی) به معاون اداره حقوقی، رئیس اداره فنی، رئیس اداره عفو و بخشودگی و یا در گروه ۷ (دارندگان پایه ۱۰ قضایی) به رئیس سازمان زنداتنها و یا قائم‌مقام سازمان بازرسی کل کشور اشاره شده است.

۹- مهاجری، علی، جرائم خاص کارکنان دولت، سازمان انتشارات کیهان، سال ۱۳۷۹، ص ۵۲.

۱۰- شایان ذکر است: امور مربوط به ابلاغ اوراق قضائی که در سالهای گذشته توسط کارمندان دادگستری صورت می‌پذیرفت در حال حاضر به واحدهای ابلاغ و اجرای حوزه قضائی محول شده (موضوع مواد ۱۵، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ آئین‌نامه اجرایی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳). لذا کارکنان متصدی این امر در خارج از دادگستری جزء کارکنان دادگستری محسوب نمی‌شوند.

### ۳- نیروهای مسلح

نیروهای مسلح عبارتند از کلیه پرسنل و مستخدمین ارتش، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و همچنین سازمانهای وابسته به آنها و نیز نیروهای وظیفه و محصلان مراکز آموزشی نظامی و نیز کلیه کسانی که بطور موقت در خدمت نیروهای مسلحند<sup>۱۱</sup>. نکته‌ی حائز اهمیت این که علاوه بر ماده ۵۹۸ (ق. م. ا)، در ماده (۶۳) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸ نیز به موضوع تصرف غیرقانونی توسط نیروهای مسلح، پرداخته شده است که با توجه به وضعیت خاص نیروهای مذکور و همچنین وجود قانون خاص در برخورد با تخلفات آنها در صورت ارتکاب به جرم تصرف غیرقانونی، مرتکبین به سوجب قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مورد پیگرد و مجازات قرار خواهند گرفت<sup>۱۲</sup>.

### ۴. مأمورین به خدمات عمومی

این گونه مأمورین به استناد ماده (۳) قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی مصوب ۱۳۱۵/۲/۶ عبارتند از:

«مؤسسات خیریه که بر حسب ترتیب و وقف یا وصیت، تولیت آنها با پادشاه عصر است.

مؤسسات خیریه و مؤسسات عام المنفعه که دولت یا شهرداری اداره می‌کند و یا تحت نظر دولت اداره می‌شود.

۱۱- زراعت، دکتر عباس، منبع پیشین، ص ۱۷۲، همچنین می‌توان به تعاریف قانونی زیر نظر داشت:

- نیروهای مسلح: نیروهای مسلح... ایران از نیروهای زمینی-هوایی-دریایی تشکیل یافته و هر نیرو به تناسب احتیاجی که دارد از رسته‌های مختلف تشکیل گردیده و رسته افسران و درجه داران هر نیرو و طرز تغییر رسته آنان طبق آئین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب کمیسیون جنگ مجلسین خواهد رسید. (ماده ۸ قانون استخدام نیروهای مسلح ایران مصوب ۱۳۳۶/۴/۲۰).

- نیروهای مسلح: نیروهای مسلح... ایران به مجموعه ارتش... ژاندارمری کل کشور و شهربانی کل کشور اطلاق می‌شود. (م ۸ قانون اصلاح ماده ۸ از قانون استخدام نیروهای مسلح مصوب ۱۳۴۷/۱۰/۱۷).

۱۲- برای دیدن نظر موافق رک، زراعت، دکتر عباس، منبع پیشین، ص ۱۷۲، همچنین: شامبیاتی، دکتر هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، (جرائم علیه اموال و مالکیت)، جلد دوم، انتشارات ژوبین، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۰، ص ۱۵۸.

- مؤسسات انتفاعی دولت و یا مؤسسات انتفاعی دیگر که تحت نظر دولت اداره می‌شوند».

همچنین به موجب نظریه اداره‌ی حقوقی قوه قضائیه «کارمندان بانک ملی از جمله مأمورین به خدمات عمومی، موضوع قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی اند»<sup>۱۳</sup>.

### مبحث دوم: از نظر موضوع

عنایت به مفاد ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) به منظور شناخت موضوع جرم تصرف غیر قانونی، مؤید لزوم توجه به مصادیقی همچون وجوه نقدی، مطالبات، حوالجات، سهام، اسناد و اوراق بهادار، اموال متعلق به سازمانها و مؤسسات موضوع ماده یا اموال متعلق به اشخاصی که بر حسب وظیفه در اختیار کارمند قرار داده شده و نیز اعتبار است که جهت بررسی دقیق می‌بایست پیرامون هر یک توضیحاتی عرضه شود:

#### ۱- وجوه نقدی

اصطلاح «وجوه» جمع کلمه‌ی «وجه» است و «وجوه نقدی» عبارت از پولهایی که در قالب سگه و اسکناس که به انحاء مختلف نظیر تترخواه، سپرده و ... در اختیار کارمندان و کارکنان شاغل در سازمانها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) قرار گرفته و قرار بر این بوده که وجوه نقدی مورد نظر به مصرف معینی برسند، است. مضافاً آن که وجوه نقدی موضوع این ماده در خصوص داخلی یا خارجی بودن به شکل عام به کار رفته است و شامل هر دو نوع می‌شود.

نکته‌ی دیگر این که وجوه نقدی مورد نظر در این ماده، صرفاً شامل وجوه نقدی رایج مملکتی است و وجوه مربوط به سالیان گذشته که از گردونه‌ی اعتبار و رواج، خارج شده است و جنبه‌ی تاریخی دارند را در بر نمی‌گیرد. به عنوان مثال اگر کارمندی که مسئول محافظت از یک مجموعه‌ی نفیس مسکوکات و اسکناسهای قدیمی است، تعدادی از آنها را به کلاس درس ببرد و به دانشجویان خود نمایش دهد،



نمی‌تواند به واسطه‌ی استفاده غیر مجاز از وجوه نقدی، مشمول این ماده شود، بلکه می‌توان او را به خاطر استفاده‌ی غیر مجاز از اموالی که بر حسب وظیفه در اختیار داشته است، مشمول ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) دانسته و تحت پیگرد قرار داد.<sup>۱۴</sup>

## ۲- مطالبات

مطالبات «در مقابل دیون استعمال می‌شود و شامل تمام تعهدات مالی به نفع متعهدله است که به مرحله‌ی وصول نرسیده است»<sup>۱۵</sup> به بیان دیگر مطالبات جمع «مطالبه» و عبارت است از بدهیهای نقدی یا غیرنقدی که به واسطه‌ی روابط فی مابین سازمانها و مؤسسات، موضوع ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) و اشخاص (حقیقی - حقوقی) در حق سازمانها و مؤسسات مذکور ایجاد و مستقر می‌شود. در همین رابطه ماده (۴۸) (ق. م. ع. ک) اشعار می‌دارد:

«مطالبات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی از اشخاصی که به موجب احکام و اسناد لازم الاجرا به مرحله‌ی قطعیت رسیده است بر طبق مقررات اجرائی مالیاتهای مستقیم قابل وصول خواهد بود». لذا در صورتی که مأمور وصول مطالبات یکی از وزارتخانه‌ها، متعاقب وصول طلب آن سازمان از فرد یا افرادی، اقدام به استفاده‌ی غیر مجاز از آنها کند، مشمول ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) خواهد شد.

## ۳- حوالات

حوالات جمع «حواله»<sup>۱۶</sup> و آن «اجازه‌ای است که کتباً وسیله مقامات مجاز وزارتخانه یا مؤسسه دولتی و یا شرکت دولتی و یا دستگاه اجرائی محلی و یا نهادهای عمومی غیر دولتی و یا سایر دستگاههای اجرایی برای تأدیه تعهدات و بدهیهای قابل پرداخت از محل اعتبارات مربوط عهده ذیحساب در وجه ذینفع صادر

۱۴- نظر نگارنده.

۱۵- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، منبع پیشین، شماره ۵۲۶۹ ص ۶۵۹.

۱۶- ماده ۷۲۴ قانون مدنی در تعریف عقد حواله اشاره می‌دارد: حواله عقدی است که به موجب آن طلب شخصی از

ذمه مدیون به ذمه شخص ثالث منتقل می‌گردد...».

می‌شود»<sup>۱۷</sup>. لذا در صورتی که حواله‌های مورد نظر توسط کارمندی مورد استفاده‌ی غیرمجاز قرار گیرد، مرتکب به مجازات متصرف غیرقانونی موضوع ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) خواهد رسید.

#### ۴- سهام

عبارت «سهام» جمع «سهم» و در مفهوم حقوقی دارای دو معنای اصطلاحی نزدیک بهم می‌باشد که عبارتند از:

**الف: معنای حقوقی (مدنی):** در این معنا «سهم» در خصوص بیان وجود رابطه‌ی شراکت بین صاحب سهم با دیگر افراد بکار می‌رود. در این رابطه ماده (۵۷۱) قانون مدنی در تعریف شرکت اشعار می‌دارد: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد به نحو اشاعه» بر مبنای این تعریف شرکت حالتی است که به موجب آن چند نفر بطور مشاع مالک مال واحدی می‌شوند و هر فرد در جزء جزء مال مورد شراکت سهیم و شریک می‌شود. پس می‌توان گفت: در این تعریف سهم عبارت است از «حصه‌ی شریک در مال الشریکه»<sup>۱۸</sup>.

**ب: معنای تجاری:** در این معنا نیز سهام جمع «سهم» که به موجب ماده (۲۴) لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۷۴/۱۲/۲۴ «قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد». لذا طبق این تعریف قانونی «سهام اوراق بهاداری هستند که معرف مشارکت صاحب آن در یک شرکت سهامی می‌باشند و منافع آن متغیر بوده و تابع درآمدی است که شرکت تحصیل می‌کند»<sup>۱۹</sup>.

شایان ذکر است به موجب تبصره (۱) ماده (۲۴) لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ سهم ممکن است با نام و یا بی نام باشد.

۱۷- ماده ۲۱ قانون محاسبات عمومی کشور.

۱۸- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، منبع پیشین، شماره ۲۹۶۵، ص ۳۶۹.

۱۹- ستوده تهرانی، دکتر حسن، حقوق تجارت، جلد سوم، نشر دادگستر، چاپ هفتم، پاییز ۱۳۸۲.

حال با توجه به مطالب پیش گفته به نظر مقصود قانونگذار هر دو نوع سهم اعم از حقوقی (مدنی) و تجاری است بدین معنا که چه سهم معرف شراکت دولت در مالکیت چیزی بوده و یا اینکه معرف میزان سرمایه آن در یک شرکت سهامی باشد موضوع استفاده غیر مجاز از آنها مشمول ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) خواهد شد. کما اینکه بکار بردن عبارت سهام که جمع سهم می باشد خود مؤید این تدعاست.

### ۵- اسناد و اوراق بهادار

در ادامه بیان مصادیق موضوعی مطرح در ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) نظیر: وجوه نقدی، مطالبات، حوالجات و سهام که با آوردن حرف «یا» از یکدیگر متمایز شده اند مشاهده می شود قانونگذار بوسیله ی حرف «و» اسناد را به اوراق بهادار ضم و در حقیقت مقصود این است که این عبارات جمع واحدی دائر بر «اسناد و اوراق بهادار» را تشکیل داده اند. به بیان دیگر: صفت و خصیصه بهادار هم به اسناد و هم به اوراق تسری یافته وضعیت خاصی را بر آنها مترتب می نماید. حال به شرح زیر به بیان اوصاف و ویژگیهای موضوع خواهیم پرداخت:

### ۵-۱- اسناد بهادار

اسناد در معنای عام جمع کلمه ی «سند» و به معنای «چیزی است که به آن اعتماد می نمایند»<sup>۲۰</sup>.

در اصطلاح حقوقی «وسیله ای است که به منظور اثبات عمل و قرارداد و یا تعهدی به کار می رود»<sup>۲۱</sup>. قانون مدنی به منظور بیان تعریف سند در ماده (۱۲۸۴) اشعار می دارد: «سند عبارتست از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد». لذا طبق تعریف فوق هر گونه اظهار واقع (حادث) بصورت مکتوب که در مقام

۲۰- امامی، دکتر سیدحسن، حقوق مدنی، ج ۶، انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، دیماه ۱۳۷۶، ص ۶۵

۲۱- عرفانی، دکتر محمود، حقوق تجارت، جلد اول، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، چاپ هفتم، پاییز ۱۳۷۲،

ص ۱۶۱، به نقل از:

\*Raymond Barroine: dictionnaire de droit, Ed. LG.D.J Paris 1967. P.14

طرح دعوی و یا دفاع در مقابل دعوای مطروحه بواسطه‌ی مُهر، امضاء و یا امر قطعی دیگری امکان انتساب به غیر را داشته باشد سند محسوب می‌شود.

مطابق ماده (۱۲۸۶) قانون مدنی سند (از نظر اعتبار) بر دو نوع است:

**اول:** سند رسمی که به موجب ماده (۱۲۸۷) عبارتست از «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد» دوّم: سند عادی که به موجب ماده (۱۲۸۹) قانون مدنی: «غیر از اسناد مذکور در ماده (۱۲۸۷) سایر اسناد عادی است». به بیانی دیگر: در صورتی که سندی به هنگام تنظیم فاقد یکی از شرایط سه گانه موضوع ماده ۱۲۸۷ (ق. م) باشد سند عادی محسوب می‌شود مانند: نامه‌های خصوصی و یا قرار داد مکتوب بین دو نفر.

از منظری دیگر سند به دو نوع تجاری و غیرتجاری تقسیم می‌شود:

**اول. اسناد تجاری:** که فقط بین تجار و در هنگام معاملات تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند.<sup>۲۲</sup> در این معنا اسناد تجاری شامل دو قسم می‌شوند:

**الف:** اسناد تجاری به معنای عام: که منظور «کلیه مدارک، دفترها و سایر اسناد در وجه حامل که بازرگانان در امر عملیات تجاری مورد استفاده و استناد قرار می‌دهند»<sup>۲۳</sup> لذا می‌توان گفت: این گونه اسناد در مرادفات تجاری اعم از داخلی و بین المللی مورد استفاده و بهره برداری قرار می‌گیرند مانند اوراق سهام، اوراق قرضه، بارنامه، بیمه نامه.

**ب:** اسناد تجاری به معنای خاص: در این معنا مقصود: «اوراق خاصی است که برای پرداخت وجه در یک زمان معین به دیگری طبق مقررات قانون تجارت تنظیم می‌شود و صادرکننده متعهد به پرداخت وجه مندرج در آن خواهد بود»<sup>۲۴</sup> لذا اسناد موضوع این تعریف محدود و محصور به برات، سفته و چک می‌شوند.

۲۲- جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، منبع پیشین، شماره ۲۹۱۵، ص ۳۶۴. همچنین، ستوده تهرانی، دکتر حسن، منبع پیشین، ص ۱۵.

۲۳- ولیدی، دکتر محمدصالح، حقوق جزای اختصاصی (در تفصیل قواعد تخریب اموال و اتلاف عمدی اسناد). نشر داد، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶.

۲۴- ولیدی، دکتر محمدصالح، همان، ص ۲۷.

**دوم: اسناد غیر تجاری:** که توسط افراد غیر تاجر و بدون رعایت شرایط خاص تنظیم و بین آنها دارای اعتبار و ارزش می‌باشد.

از سویی دیگر اسناد به دولتی، غیر دولتی، سیاسی<sup>۲۵</sup>، طبقه‌بندی شده<sup>۲۶</sup> تقسیم می‌شوند که در برخی امور عمومی نظیر طرح موضوع، انتساب به شخص یا اشخاص و ... همانند اسناد پیش گفته هستند ولی به لحاظ در برداشتن ویژگیهای خاص نمی‌توان آنها را مشابه سایر اسناد دانست. لذا آثار و تبعات مترتب بر آنها تابع قوانین و مقررات خاصی می‌باشد که بهمین خاطر از بررسی آنها خودداری می‌شود.

حال بعد از برشمردن اقسام اسناد این سؤال مطرح می‌شود که منظور از اسناد مذکور در ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) کدامیک از اسناد پیش گفته است؟ در پاسخ به سؤال فوق باید گفت: با توجه به خصیصه «بهادار» که در ماده مورد نظر به اسناد تسری یافته به نظر اسناد به هر شکل ممکن و متصور اعم از رسمی، عادی، تجاری و غیر تجاری که متعلق به دولت یا عموم هستند در صورت داشتن ارزش اقتصادی و اصطلاحاً «بهاداربودن» مشمول ماده فوق می‌شوند. در نتیجه اسناد طبقه‌بندی شده، سیاسی و ... از زمره‌ی اسناد بهادار خارج و هر گونه استفاده‌ی غیر مجاز از آنها به موجب قوانین خاص خود قابل مجازات خواهد بود. نکته‌ی دیگر اینکه نظر به عدم تصریح مقنن به داخلی یا خارجی بودن اسناد بهادار، به نظر این گونه اسناد علاوه بر اسناد داخلی که می‌بایست به زبان فارسی باشند شامل اسناد خارجی (به شرط داشتن مالیت و همچنین تعلق داشتن به دولت و سازمانهای موضوع ماده مورد نظر) مشمول این ماده می‌شوند.

## ۵-۲- اوراق بهادار

«اوراق بهادار عبارت است از سهام شرکتهای سهامی و اوراق قرضه صادر شده از طرف شرکتهای و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و خزانه داری کل که

۲۵- «اسناد سیاسی هر نوشته‌ای که بوسیله یک نماینده سیاسی راجع به روابط دولت متبوع و دولتی که نزد او مأمور خدمت شده است داده یا گرفته می‌شود: نظیر یادداشتها، نامه‌ی وزارت خارجه به یکی از نمایندگان خود در خارجه و ...» جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، منبع پیشین، ش ۲۹۲۷، ص ۲۶۵.

۲۶- شامل اسناد: بکلی سرتی، سرتی، خیلی محرمانه، محرمانه.

قابل معامله و نقل و انتقال باشد»<sup>۲۷</sup>. تعریف مذکور بیانگر معنای خاص اوراق بهادار می‌باشد. در این تعریف اوراق بهادار در اماکن مخصوصی موسوم به بورس اوراق بهادار مورد مبادله واقع می‌شوند منتهی در معنای عام شامل اسناد تجاری هم می‌شود که از لحاظ عرضه عمومیت بیشتری نسبت به نوع اول دارند مانند: سفته، برات و... که مبادله‌ی آنها لزوماً نباید در محل یا اماکن خاصی صورت پذیرد. شایان ذکر است امروزه بطور اخص منظور از اوراق بهادار سهام و اوراق قرضه اعم از دولتی و غیر دولتی می‌باشد که بنا به وضعیت خاصی که دارند در بورس مورد معامله قرار می‌گیرند<sup>۲۸</sup>. همچنین در تعریف بورس اوراق بهادار می‌توان گفت: «بورس اوراق بهادار بازار خاصی است که در آن داد و ستد اوراق بهادار توسط کارگزاران بورس طبق قوانین مربوطه انجام می‌گیرد»<sup>۲۹</sup>.

شایان ذکر است اوراق قرضه موضوع مواد (۵۱) تا (۷۱) لایحه اصلاح قانون تجارت: «اوراق با نام یا بی‌نامی است که برای تأمین قسمتی از اعتبارات مورد نیاز برنامه‌های عمرانی یا دفاعی انتشار می‌یابد». لذا می‌توان گفت: هدف از انتشار اوراق قرضه تأمین منابع مالی شرکت و مؤسسات مربوطه بواسطه‌ی قرض وجوه از اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی است در نتیجه افرادی که اقدام به خریداری اوراق قرضه می‌نمایند در حقیقت طلبکار شرکت بوده و تحت هیچ شرایطی سهامدار شرکت محسوب نمی‌شوند. در همین رابطه اوراق قرضه به دو شکل ساده و مرکب تقسیم می‌شود:

**الف: اوراق قرضه ساده:** «اوراقی است که پس از انتشار تغییر صورت نمی‌دهد و تا استرداد کامل وجه آن به صورت ورقه قرضه باقی می‌ماند»<sup>۳۰</sup> لذا دارندگان این گونه اوراق قرضه صرفاً بعنوان طلبکار شرکت بوده و در نهایت با دریافت مبلغ قرض و همچنین سود از شرکت جدا می‌شوند.

۲۷- بند (۲) ماده (۱) قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵/۲/۲۷

۲۸- ستوده تهرانی، دکتر حسن، منبع پیشین، ص ۲۰۷.

۲۹- بند (۱) ماده (۱) قانون تأسیس بورس اوراق بهادار. مصوب ۱۳۴۵/۲/۲۷.

۳۰- اسکینی، دکتر ربیعا، حقوق تجارت، شرکتهای تجاری، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ سوم، سال ۱۳۸۰، ص ۹۲.

ب: اوراق قرضه مرکب: «متضمن امتیازات مضاعفی برای دارنده آن است که در قانون پیش بینی شده است. در واقع دارنده ورقه قرضه مرکب می‌تواند در صورت بهتر شدن وضع اقتصادی شرکت موقعیت طلبکار را ترک کند و شریک شرکت شود»<sup>۳۱</sup>.

و آخر اینکه: اوراق قرضه چه ساده و چه مرکب بعنوان اوراق بهادار شناسایی و مشمول ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) در خصوص بیان موضوع می‌شوند.

### ۶- سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات موضوع ماده ۵۹۸ (ق. م. ا)

با استنباط وجود «رابطه‌ی مالکیت» از ذکر عبارت «متعلق» چنین نتیجه می‌شود که منظور از سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) همان اموال دولتی است که به موجب ماده (۲) آئین‌نامه اموال دولتی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷ هیأت وزیران<sup>۳۲</sup> «اموالی هستند که توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی خریداری می‌شود یا به هر طریق قانونی دیگر به تملک دولت درآمده یا در می‌آیند». در همین راستا به موجب نظریه شماره: ۷/۶۱۶۶ مورخ ۱۳۷۳/۹/۱۵ اداره حقوقی قوه قضائیه معتقد است: «اموال دولتی عبارت از اموالی است که از بودجه‌ی عمومی کل کشور تهیه شده است». شایان ذکر آنکه: بر اساس آئین‌نامه اموال دولتی مصوب ۱۳۷۲ اموال شرکتهای دولتی نیز جزء اموال دولتی محسوب شده بود ولی با تصویب مصوبه‌ی شماره: ۱۰۸۶۳/ت/ ۱۵۰۸۱ هـ مورخ ۱۳۷۴/۹/۱ هیأت وزیران، اموال این گونه شرکتهای از شمول تعریف اموال دولتی خارج شده‌اند.

مطابق تبصره ذیل ماده (۲) آئین‌نامه اموال دولتی تعاریف اموال منقول و غیر منقول در آئین‌نامه مذکور تابع تعاریف بعمل آمده در قانون مدنی است<sup>۳۳</sup>. مضافاً آنکه: اموال منقول دولتی به موجب ماده ۴ این آئین‌نامه در ۵ قسم به شرح زیر می‌باشد:

۳۱- اسکینی، دکتر ربیعا، همان منبع، ص ۱۰۲.

۳۲- درج در روزنامه رسمی شماره: ۱۴۱۵۲ مورخ ۱۳۷۲/۷/۱۸.

۳۳- ماده ۱۲ قانون مدنی: «مال غیر منقول آن است که از محلی بمحل دیگر نتوان نقل نمود اعم از اینکه استقرار آن ذاتی باشد یا بواسطه عمل انسان به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود».

- ۱- اموال منقول مصرفی: اموالی هستند که بر اثر استفاده به صورت جزئی یا کلی از بین می‌روند.
- ۲- اموال منقول غیر مصرفی: اموالی هستند که بدون تغییر محسوب و از دست دادن مشخصات اصلی بتوان به طور مکرر آنها را مورد استفاده قرار داد.
- ۳- اموال در حکم مصرفی: اموالی هستند که در ظاهر با اموال غیر مصرفی مشابهت دارند، اما به لحاظ طبیعت و ماهیت یا ارزش کم، تنظیم حساب برای آنها به صورت اموال غیر مصرفی ضرورت ندارد.
- ۴- اموال رسیده: اموالی است که تحت ابوابجمعی امین اموال قرار می‌گیرد.
- ۵- اموال فرستاده: اموالی است که طبق مقررات این آئین‌نامه به نحوی از ابوابجمعی امین اموال خارج و دستور حذف آنها صادر شده باشد».

#### ۷- اموال متعلق به اشخاص

قانونگذار به منظور معرفی یکی دیگر از موضوعات جرم تصرف غیرقانونی به اموال متعلق به اشخاص که بر حسب وظیفه‌ی کارمندان و کارکنان به آنها سپرده می‌شود اشاره نموده است. که عنایت به مفهوم عبارت «متعلق»، بر وجود رابطه‌ی مالکیت فی‌مابین اشخاص و اشیاء دلالت داشته و به این معناست که اشخاص مورد نظر مالک این گونه اموال محسوب می‌شوند. از طرفی عبارت اشخاص به شکل عام بکار برده شده و در مقام بیان اقسام هم شامل اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی است. همچنین وجود عبارت «اشخاصی» در این خصوص به نظر ما ابهامی ایجاد کرده که ارتباط مصادیق پیش را با آن متعذر ساخته و در نهایت دریافت مفهومی مشخص را ناممکن می‌سازد بهمین خاطر چنین به نظر می‌رسد که عبارت مذکور می‌بایست بصورت «اشخاص» باشد نه «اشخاصی» که در این صورت کلام به نحو شایسته منعقد شده و می‌توان معنای فوق (مورد نظر ما) را از آن استنباط نمود.

نکته‌ی حائز اهمیت اینکه: متعاقب بیان مصادیق پیش گفته قانونگذار به منظور تبیین وضعیت حقوقی کارمندان نسبت به وجوه و اموال مورد نظر با آوردن وصف «سپردن» منتج از عبارت «سپرده» به نکته‌ی بسیار مهمی که همانا امین بودن کارمندان



موصوف می‌باشد اشاره نموده است. بدین معنا که کارمندان بعنوان امین و وجوه و اموال دولتی و عمومی را در اختیار گرفته و قرار بر این بوده که در راستای وظایف محوله آنها را نگهداری یا به مصرف معینی برسانند. منتهی آنچه مهم است اینکه وجوه و اموال می‌بایست بر حسب وظیفه در اختیار کارمند قرار داده شده باشد. البته در این خصوص ناقل صحیح مورد نظر می‌باشد بدین معنا که اگر وجه یا اموالی توسط احد از کارمندان در غفلت کارمند دیگر برداشته شود یا اینکه اشتهاً در اختیار کارمندی قرار گرفته و در نتیجه کارمند مورد نظر نیز از آن به نحو غیر مجاز استفاده کند نمی‌توان عمل او را مصداق جرم تصرف غیر قانونی دانست. حال اگر وجه یا مالی به کارمندی سپرده شده ولی کارمند دیگری با اطلاع یا بدون اطلاع او اقدام به استفاده غیر مجاز از این وجوه یا اموال بنماید جای سؤال است که آیا اقدام صورت گرفته مشمول ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) می‌شود یا خیر؟ پاسخ به این سؤال مستلزم توجه دقیق به ابعاد مختلف موضوع می‌باشد. بدین توضیح که: از یک طرف کارمندی که مال به او سپرده شده آن را مورد استفاده غیر مجاز قرار نداده و از طرفی کارمندی که آن را مورد استفاده غیر مجاز قرار داده وجه یا مال مورد نظر به او سپرده نشده است.

حال در صورت عنایت به ویژگیهای اختصاصی این جرم دائر بر:

«اول: کارمند بودن مرتکب و دوم: سپرده شدن وجوه یا اموال به کارمند مربوطه بر حسب وظیفه او و سوم: استفاده غیر مجاز کارمند از وجوه و اموال مورد نظر بدون قصد تملک آنها» و توجه به این مهم که شرط دوم دائر بر لزوم وجود وصف سپرده شدن در مورد کارمند مورد نظر تحقق نیافته و در نتیجه: نمی‌توان مرتکب را مشمول جرم تصرف غیرقانونی دانست. البته این امکان وجود دارد که بر حسب مورد، موضوع تحت عناوین دیگری قابل پیگرد باشد.

موضوع مهم دیگر لزوم تحقق فعل «سپردن» است که باید ملحوظ نظر قرار گیرد. بدین توضیح که: لزوماً می‌بایست مال یا وجهی عملاً در اختیار کارمند قرار گرفته باشد. لذا اگر به موجب تصمیمات اداری مقرر شده وجوه یا اموالی نزد کارمندی سپرده شود و امور اداری مربوطه نظیر: اخذ موافقت، مکاتبات لازمه و ... صورت گرفته ولی هنوز مال یا وجهی در اختیار او قرار نگرفته و در همین اثنا کارمند مورد

نظر به نحوی به وجوه یا اموال مذکور دسترسی پیدا کرده و آنها را مورد استفاده‌ی غیر مجاز قرار دهد مورد مشمول تصرف غیر قانونی نمی‌شود چرا که فعل «سپردن» می‌بایست به نحو عملی و قانونی محقق شود. در همین رابطه شعبه دوم دیوان عالی کشور بیان نموده: «به موجب قانون از انبارداران، امناء صندوق و تحصیلداران کفیل یا ضامن اخذ می‌شود. حال اگر تحصیلداری تعیین شود ولی قبل از جلسه تحویل و تحوّل، تصرفات غیر قانونی در اموال و وجوه دولتی بکند، به دلیل اینکه هنوز اموال و وجوه قانوناً در اختیار او قرار نگرفته است، عملش از مصادیق جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی، محسوب نمی‌شود و ممکن است با سرقت تطبیق نماید»<sup>۳۴</sup>.

نکته‌ی دیگر صرف سپردن وجه یا مال می‌باشد چه مستقیم و چه غیر مستقیم. بدین معنا که چگونگی سپردن وجه یا مال اعم از اینکه بوسیله‌ی مقامات و یا افراد به مؤسسات و دستگاههای مورد نظر تحویل و بعد از طی مراحل اداری در اختیار کارمند قرار گرفته و یا اینکه توسط مقامات و یا افراد مستقیماً به کارمندان مورد نظر واگذار شده باشد ملاک تحقق موضوع سپرده شدن نبوده و صرف تحویل وجوه یا اموال به کارمندان آنهم بر حسب وظیفه ایشان مورد نظر می‌باشد.

## ۸- اعتبار

یکی دیگر از موضوعاتی که ممکن است در ارتباط با آن کارمندان دولت مرتکب جرم تصرف غیرقانونی شوند «اعتبار» است. «اعتبار عبارت از مبلغی است که برای مصرف یا مصارف معین به منظور نیل به اهداف و اجرای برنامه‌های دولت به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد»<sup>۳۵</sup>. مطابق این تعریف اعتبار: مبلغی است که در قانون بودجه سالانه کل کشور برای هر یک از دستگاههای اجرایی بطور جداگانه و در قالب شرح مواد به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و از طرفی بر اساس

۳۴- رأی شماره ۴۹ مورخ ۱۳۲۴/۱/۲۵. شعبه دوم دیوان عالی کشور.

۳۵- ماده ۷ قانون محاسبات عمومی کشور. مصوب ۱۳۶۶/۶/۱.

موافقتنامه متبادله بین هر دستگاه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در جهت دستیابی به اهداف مورد نظر و اجرای برنامه‌های دولت برابر مقررات به مصرف می‌رسد.

نکته‌ی حائز اهمیت این که: صرف وجود اعتبار در قوانین بودجه برای اشخاص (حقیقی - حقوقی) ایجاد حق دائر بر مصرف ننموده و استفاده از اعتبارات مذکور می‌بایست با رعایت مقررات مصوب<sup>۳۶</sup> باشد. در نتیجه: اولاً؛ باید اعتبار لازم بوسیله مرجع صالح تخصیص<sup>۳۷</sup> داده شود. ثانیاً؛ مراحل انجام خرج شامل: تشخیص، تأمین اعتبار، تعهد، تسجیل، حواله<sup>۳۸</sup> با رعایت ضوابط قانونی رعایت شود و ثالثاً؛ سایر قوانین و مقررات حاکم بر معاملات دولتی نیز می‌بایست ملحوظ نظر واقع شود.

در حال حاضر به موجب ماده (۷۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب<sup>۳۹</sup> ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ انواع اعتبارات بدین شرح تعریف شده‌اند:

الف: اعتبار هزینه (بجای اعتبارات جاری): «منظور آن دسته از داد و ستدهای بخش دولتی است که ارزش خالص را کاهش می‌دهد» و

ب: اعتبار طرح تملک دارائیهای سرمایه‌ای (بجای اعتبارات عمرانی): «منظور اعتبارمجموعه عملیات و خدمات مشخصی است که بر اساس مطالعات توجیهی، فنی و اقتصادی و اجتماعی که توسط دستگاه اجرایی انجام می‌شود طی مدت معین و با اعتبار معین برای تحقق بخشیدن به هدف‌های برنامه توسعه پنج ساله به صورت سرمایه‌گذاری ثابت یا مطالعه برای ایجاد دارایی سرمایه‌ای اجرا می‌شود و منابع مورد نیاز اجرای آن از محل اعتبارات مربوط به تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تأمین می‌شود و به دو نوع انتفاعی و غیر انتفاعی تقسیم می‌شود. در همین رابطه منظور از طرحهای انتفاعی و غیر انتفاعی به موجب بند (۱۰) ماده (۱) قانون برنامه و بودجه چنین تعریف شده‌اند:

۳۶- ماده ۵۰ قانون محاسبات عمومی کشور: «وجود اعتبار در بودجه کل کشور به خودی خود برای اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی ایجاد حق نمی‌کند و استفاده از اعتبارات باید با رعایت مقررات مربوط به خود بعمل آید».

۳۷- به موجب ماده (۱) آئین نامه تخصیص اعتبار مصوب<sup>۴۰</sup> ۱۳۵۲/۱۲/۱۵: «تخصیص اعتبار عبارتست از تعیین حجم اعتبار که برای یک سال یا دوره‌های معین در سال، جهت هزینه اجرای برنامه‌ها و عملیات و یا سایر پرداختها مورد لزوم است».

۳۸- رک مواد: ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ (ق.م.ع.ک).

طرح عمرانی انتفاعی: منظور طرحی است که در مدت معقولی پس از شروع به بهره‌برداری علاوه بر تأمین هزینه‌های جاری و استهلاک سرمایه، سود متناسبی به تبعیت از سیاست دولت را نیز عاید نماید. و طرح عمرانی غیر انتفاعی منظور طرحی است که برای انجام برنامه‌های رفاه اجتماعی و عملیات زیر بنایی و یا احداث ساختمان و تأسیسات جهت تسهیل کلیه وظایف دولت اجرا می‌شود و هدف اصلی آن حصول درآمد نمی‌باشد».

### مبحث سوم: از نظر نوع جرم

برای تحقق هر جرمی علاوه بر وجود عنصر مادی دائر بر ارتکاب فعل یا ترک فعلی که بواسطه نهی قانونگذار در قالب جرم شناخته می‌شود و همچنین عنصر قانونی مبنی بر وجود نصوص قانونی در جرم قلمداد کردن برخی فعل یا ترک فعلها عنصر دیگری موسوم به «عنصر روانی» لازم و ضروری است. عنصر روانی نیز همان گونه که از عنوان آن بر می‌آید به قصد و نیت فرد مرتکب بازمی‌شود. بر این اساس جرائم در دید کلی به «عمدی» و «غیر عمدی (خطایی) و صرفاً مادی» تقسیم می‌شوند.<sup>۲۹</sup>

در جرائم عمدی عنصر معنوی (روانی) سوءنیت یا قصد مجرمانه است که بر مبنای آن مرتکب عالماً و عامداً اقدام به ارتکاب فعل یا ترک فعل نموده و خواستار تحقق نتیجه‌ی آن می‌باشد. حال آنکه: در جرائم غیر عمدی (خطایی) فرد فقط قصد انجام فعل یا ترک فعلی را داشته ولیکن خواستار نتیجه‌ی مجرمانه برای آن عمل نیست. به بیان دیگر عنصر معنوی این گونه جرائم تقصیر یا خطای جزائی است. و در مقابل در جرائم صرفاً مادی نیز صرف انجام رکن مادی مطمح نظر بوده و به عنصر قصد توجهی نمی‌شود.

در رابطه با عنصر معنوی منظور از قصد را همان سوءنیت دانسته‌اند که در این رابطه ذکر این نکته را لازم می‌داند که قصد مجرمانه دارای تعریف مشخصی در

۲۹- کلدوزیان، دکتر ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران چاپ هفتم، بهار

قانون نبوده و قانونگذار در موارد مربوطه بنا به مقتضیات و به فراخور موضوع از عباراتی نظیر:

عالمأ، عامداً، به قصد و ... استفاده و از این طریق وجود قصد مجرمانه یا همان سوءنیت را متذکر شده است.

حال عنایت به مفاد ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) نیز مؤید این مهم است که گرچه قانونگذار به منظور بیان عنصر روانی موصوف از عبارات مصطلحی نظیر: عالمأ، عامداً، به قصد و ... استفاده نکرده ولی به سهولت می‌توان دریافت که جرم تصرف غیرقانونی جزء جرائم عمدی محسوب می‌شود که در ارتکاب آن کارمندان دولت با علم و اطلاع از نهی متصور قانونی اقدام به تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی می‌نمایند. حال از منظر بررسی عمد عام و خاص در جرم تصرف غیرقانونی این نکته حائز اهمیت است که: وضعیت خاص کارکنان دولت طرح هر گونه ادعایی مبنی بر عدم اطلاع از مالکیت دولت یا عموم نسبت به اموال یا وجوهی که در اختیار ایشان قرار گرفته را رد می‌نماید. به بیان دیگر هر کارمند دولتی می‌داند که اموال و وجوهی که در اختیار اوست بنا به وضعیت هر کدام متعلق به دولت یا عموم مردم است لذا نمی‌توان در آن دخل و تصرفی نمود. پس صرف اقدام در جهت استفاده از اموال یا وجوه مذکور و همچنین صرف اقدام در به مصرف رساندن اعتبار در غیر موارد پیش بینی شده در قانون را می‌توان به منزله‌ی قصد یا سوء نیت عام دانست. از طرفی در صورتیکه از این اقدامات نتیجه خاصی مد نظر کارمند باشد رسیدن به نتیجه‌ی مورد نظر عمد خاص تلقی می‌شود. به عنوان مثال: کارمندی که بر حسب کارمندی که اعتبار تخصیص یافته جهت تعمیر ساختمان اداری را به منظور خرید قطعات یدکی اتومبیل هزینه نماید بواسطه‌ی اقدام در جهت نقض قانون مبنی بر لزوم هزینه‌ی صحیح اعتبار مصوب دارای عمد یا سوءنیت عام و نظر به هزینه نمودن اعتبار برای خرید قطعات یدکی اتومبیل دارای عمد یا سوءنیت خاص می‌باشد.

از طرفی عنایت به مفاد ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) از نظر تعیین مجازات شاهد وجود دو بخش می‌باشیم. در بخش اول: صرف استفاده غیر مجاز را بدون اینکه مرتکب از آن منتفع شود در نظر داشته و در بخش دوم به مواردی اشاره دارد که مرتکب از این

استفاده‌ی غیر مجاز منتفع شده باشد که در این صورت مجازات او تشدید می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت از نظر مادی جرم عمدی مورد نظر در قسمت اول که صرف استفاده غیر مجاز بدون توجه به کسب منفعت توسط مرتکب ملحوظ نظر بوده در زمره‌ی جرائم عمدی مطلق قرار می‌گیرد چرا که در آن تحقق جرم موکول به حصول نتیجه نشده است اما در بخش دوم که شرط انتفاع بعنوان شرط تحقق جرم اعلام شده این قسمت در عداد جرائم عمدی «مقید» می‌گنجد چرا که تحقق آن موکول و منوط به حصول نتیجه است.

### مبحث چهارم: از نظر حیثیت جرم

مستفاد از تبصره (۲) ماده (۲) قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ هر جرم ممکن است دارای ۲ حیثیت باشد<sup>۴۱</sup>:

الف: حیثیت (ادعای) عمومی از جهتی که محل نظم و حقوق عمومی است. و  
ب: حیثیت (ادعای) خصوصی از این جهت که راجع به تضرر شخص یا اشخاص یا گروه مشخصی است. نتیجه آن که حیثیت عمومی جرم همیشه وجود داشته و بدون تصور آن جرم معنایی ندارد ولیکن حیثیت خصوصی می‌تواند وجود داشته یا نداشته باشد. لذا می‌توان جرائم را با توجه به برخورداری از وصف عمومی یا خصوصی به سه دسته تقسیم نمود<sup>۴۲</sup>.

۱- جرائمی که صرفاً دارای حیثیت عمومی بوده و فاقد حیثیت خصوصی می‌باشند مانند: ولگردی و شرب خمر.

۴۰- ماده ۲ (ق.آ.د.ک) اشاره می‌دارد: «جرمی که دارای دو جنبه باشد می‌تواند موجب دو ادعا شود: الف: ادعای عمومی برای حفظ حدود الهی و حقوق و نظم عمومی؛ ب: ادعای خصوصی برای مطالبه حق از قبیل: قصاص و قذف یا ضرر و زیان اشخاص حقیقی یا حقوقی».

۴۱- ماده ۴ (ق.آ.د.ک) بیان می‌دارد: «جرائم از جهت اقامه و تعقیب دعوا به سه دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

۱- جرائمی که تعقیب آنها به عهده رئیس حوزه قضائی است چه شاکی خصوصی شکایت کرده یا نکرده باشد. رئیس حوزه قضائی می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند.

۲- جرائمی که با شکایت شاکی تعقیب می‌شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف نخواهد شد.

۳- جرائمی که با شکایت شاکی تعقیب می‌شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد».

۲- جرائمی که بواسطه‌ی وقوع آنها هم حیثیت عمومی و هم حیثیت خصوصی تحت الشعاع قرار می‌گیرند. ولیکن جنبه‌ی عمومی بر جنبه‌ی خصوصی غلبه دارد. نظیر کلاهبرداری و اختلاس.

۳- جرائمی که همانند مورد پیش واجد جنبه‌های خصوصی و عمومی هستند ولی جنبه‌ی خصوصی بر جنبه عمومی غلبه دارد. مثل جرائم موضوع ماده ۷۲۷ (ق. م. ا). حال عنایت به مفاد ماده ۷۲۷ (ق. م. ا) مؤید عدم تصریح قانونگذار به ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) است در نتیجه جرم موصوف از عداد جرائم قابل گذشت خارج و با توجه به ماهیت خاص خود بعنوان حرمی که موضوع آن تعرض به اموال دولتی و عمومی است در زمره‌ی جرائم عمومی قرار گرفته است. لذا امکان عدم پیگیری بواسطه‌ی گذشت شاکی در خصوص مرتکبین جرم تصرف غیر قانونی تحت هیچ شرایطی وجود ندارد.

## مبحث پنجم: از نظر صور ارتکاب

### ۱- استفاده غیر مجاز

عبارت «استفاده» از نظر لغوی به معنای «فایده گرفتن، فایده بردن، منتفع شدن، فایده خواستن، بهره خواستن و سود بردن»<sup>۴۲</sup> آمده است و در معنای اصطلاحی می‌توان از آن به عنوان «تصرف در اموال یا وجوه» یاد کرد که عبارتست از امکان استیلا و سیطره بر چیزی به منظور رسیدن به هدفی خاص، چنانکه شخصی برای رسیدن به مقصدی از اتمبیلی استفاده کند یا آن را برای حمل بار یا مسافر مورد استفاده و بهره‌برداری قرار دهد. البته در خصوص تبیین موضوع می‌توان از دو دیدگاه به آن نگریسته و جوانب امر را مورد بررسی قرار داد:

الف: از منظر وضعیت استفاده کننده: در این خصوص موضوع به تبع شخص استفاده کننده به دو دسته تقسیم می‌شود. اول: در جایی که فرد بعنوان مالک از

۴۲- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد دوم، چاپ دوم، سال ۱۳۷۷، ص ۲۱۶۹-همچنین: عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید (رقعی) مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و چهارم، تهران ۱۳۸۱، ص ۱۲۹.

مال استفاده می‌کند که در این وضعیت به موجب قوانین جاریه مالک تا جایی که موجبات تضییع حقوق دیگران را فراهم نیاورد در استفاده از مال یا اموال خود آزاد است. لذا این نوع تصرف تا زمانی که مال در اختیار مالک آن قرار دارد و به دیگران منتقل نشده متعلق به مالک بوده بهمین خاطر می‌توان آن را به نوعی تصرف همیشگی یا دائمی دانست و اصل را بر آن گذاشت، چرا که تا زمان انتقال مال به دیگری ما به استمرار مالکیت مالک معتقد هستیم. دوّم: در مواقعی نیز فرد مالک مال یا وجه نبوده بلکه اموال یا وجوه متعلق به اشخاص دیگر در قالب صوری خاص نظیر ودیعه<sup>۴۲</sup>، عاریه<sup>۴۳</sup> و ... در اختیار او بوده و استفاده از آنها تابع شرایط مقرر فی مابین با توجه به قوانین مربوطه می‌باشد. لذا هر گونه استفاده‌ی خارج از حدود اذن و یا متعارف از مال (مورد امانت)، که موجب نقصان یا حدوث عیب بر آن شود موجب ضمان فرد امین خواهد بود. در نتیجه این گونه تصرفات تابع توافقات و شرایط فی مابین بوده و می‌توان از آن به تصرف مقطعی یا موقت یاد کرد.

**ب: از منظر وضعیت مال مورد استفاده:** مالی که مورد استفاده قرار می‌گیرد

نیز به دو دسته تقسیم می‌شود:

**اول:** اموالی که استفاده‌ی نخستین از آنها منجر به از بین رفتن آنها نشده و عین مال باقی می‌ماند هر چند به مرور زمان بواسطه‌ی استفاده و استعمال کهنه شده و قابلیت استفاده را از دست بدهد مثل: کفش، اتومبیل و ...

**دوّم:** اموالی که به محض نخستین استفاده، عین آن از بین می‌رود که این نوع از اموال گاهی اوقات مادی است نظیر: خوراکیها و گاه نیز دارای وصف حقوقی است مانند: پول که بواسطه‌ی انتقال به دیگری نسبت به مالک و دارنده آن از دست رفته تلقی

۴۲- ماده ۶۰۷ (قانون مدنی): «ودیعه عقدی است که بموجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آنکه آنرا مجاناً نگاهدارد...»

۴۳- ماده ۶۲۵ (قانون مدنی): «عاریه عقدی است که بموجب آن احد طرفین بطرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال او مجاناً منتفع گردد...»



می‌شود.<sup>۴۵</sup> البته در مورد اخیر خروج موضوعی مال از مالکیت مد نظر است هر چند در قبال پرداخت آن مال یا خدمتی عاید پرداخت کننده شود.

حال با توجه به توضیحاتی که بیان شد و در نظر گرفتن این مهم که با آمدن عبارت «غیر مجاز» حالت استفاده از وضعیت قانونی تغییر و به حالتی غیر قانونی تبدیل می‌شود می‌توان گفت: منظور از «استفاده غیرمجاز» موضوع ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) عبارتست از: «هرگونه تصرف کارمندان و کارکنان دولت در اموال یا وجوه چه به منظور انتفاع یا غیر آن<sup>۴۶</sup> به نحو غیر قانونی» بعنوان مثال: اگر مال مورد نظر اتومبیل باشد، بکار بردن آن در ساعات غیر اداری چه به قصد انتفاع مانند حمل بار یا مسافر و اخذ کرایه یا عدم قصد انتفاع مانند بازدید از یک منطقه خوش آب و هوا در خارج شهر. همچنین است وضعیت کارمندی که قسمتی از وجوه تحت اختیار در قالب تنخواه را به عنوان قرض در اختیار همکار خود قرار داده تا بعد از یک ماه آن را مسترد و مجدداً به حساب دولت واریز شود. در همین رابطه در پی سپردن ضمانتنامه بانکی و چک تضمینی جهت آزادی کارمندی توسط یکی از مسئولین بانک موضوع توسط هیأت چهارم مستشاری دیوان محاسبات کشور مورد بررسی و از مصادیق تصرف غیر قانونی در وجوه عمومی دانسته شده است. در رأی مذکور آمده: «... هر چند وجه ایداعی بعد از دو سال به دلیل رفع اتهام و تبرئه کارمند به بانک مسترد شده است، لکن با عنایت به اینکه صدور ضمانت نامه‌ی بانکی فقط به منظور حسن اجرای قرارداد یا شرکت در مناقصه و مزایده و بنا به درخواست مشتری و در قبال اعتبار کافی مجاز بوده و چک تضمینی بانک نیز در قبال پرداخت وجه نقد به مبلغ وجه چک صادر می‌شود و از طرفی نیز با تصویب قانون ملی شدن بانکها، تمام اموال و دارایی متعلق به آنها جزء اموال عمومی محسوب می‌شوند، بنابراین محمولی بر صدور ضمانت نامه یا

۴۵- رک. امامی، دکتر سیدحسن، منبع پیشین؛ صص ۲۹ و ۲۸. همچنین: کاتوزیان، دکتر ناصر، اموال و مالکیت، نشر دادگستر، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۸، ص ۴۴.

۴۶- برای دیدن نظری مبنی بر صرف وجود انتفاع در استفاده، رک. شجاعی، قیاض، جرم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، سال

چک تضمینی و ایداع آن به صندوق دادگستری تحت عنوان وثیقه، توسط مسئولین بانک نبوده و عمل از مصادیق بارز استفاده غیر مجاز از وجوه عمومی است»<sup>۴۷</sup>.

### ج: بیان نکات مهم

**نکته اول:** این گونه اموال نباید به محض استفاده و بهره‌برداری از بین بروند بعبارت دیگر: با استفاده از آنها می‌بایست عین باقی بماند نظیر: اتومبیل و مانند آن. چرا که اگر اموال مورد نظر جزء اموالی باشند که به محض استفاده از بین بروند موضوع در قالب جرم تضییع اموال دولتی یا عمومی قرار گرفته و به موجب قوانین مربوطه قابل پیگیری است. در خصوص «وجوه» شاید این سؤال مطرح شود که در تقسیم بندی پیش گفته آنها را جزء اموالی دانستیم که به محض استفاده از بین می‌روند حال آیا مشمول این ماده می‌شوند یا خیر؟ در پاسخ باید گفت: در واقعیت امر موضوع با تئوری مطرح شده متفاوت است. چرا که بواسطه‌ی هزینه شدن وجوه پرداختی قطعاً وجوهی که به کارمند عودت خواهد شد عین وجوه سابق نبوده ولی ارزش ریالی آنها یکسان است. لذا واقع امر مطمع نظر ما بوده و منصرف از تئوری حقوقی که بر وجوه مورد نظر وضعیتی خاص را مترتب می‌سازد به آن پرداخته و صرف ارزش ریالی آن را در نظر می‌گیریم. در نتیجه با توجه به مفاد ماده مورد نظر وجوه را نیز جزء مواردی می‌دانیم که در صورت استفاده از بین نمی‌روند.

**نکته‌ی دوم:** موضوع مطروحه مبنی بر استفاده‌ی غیر مجاز لزوماً نباید بلاواسطه و مستقیم توسط کارمند صورت گیرد بلکه در مواقعی اموال یا وجوه بواسطه تخطی کارمند مربوطه در اختیار اشخاص دیگر قرار گرفته و توسط آنها مورد استفاده غیر مجاز قرار می‌گیرد که در این صورت نیز موضوع تحت عنوان تصرف غیر قانونی در وجوه یا اموال مورد نظر قابل پیگیری قضایی است. بعنوان مثال: اگر کارمندی اتومبیلی را که در اختیار دارد به فرزندش تحویل داده و اتومبیل توسط فرد مذکور مورد استفاده قرار گیرد.

مورد را می‌توان تحت شمول جرم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی مورد پیگیری قرار داد.<sup>۴۸</sup>

**نکته‌ی سوم:** نگاهی به مفاد ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) در خصوص انتفاع کارمندان و کارکنان بواسطه استفاده غیر مجاز از: وجوه نقدی، مطالبات، حوالجات، سهام و ... مؤید تقسیم بندی موضوع بواسطه‌ی وجود یا عدم وجود انتفاع می‌باشد. در قسمت اول: آنچه در نظر قانونگذار است «صرف استفاده از موضوعات مطروحه» می‌باشد که به محض اثبات استفاده‌ی مرتکب تحت پیگرد قرار می‌گیرد در نتیجه جرم مذکور در این مرحله بخاطر آنکه موکول و منوط به حصول نتیجه‌ای نیست در زمره‌ی «جرائم مطلق» قرار می‌گیرد. در قسمت دوم: قانونگذار با توجه به اینکه در برخی اوقات کارمندان مرزهای ممنوعیتهای قانونی را در نوردیده و ضمن نقض قانون بدنبال کسب منافع خود می‌باشند با بکار بردن عبارت «در صورتی که منتفع شده باشد» و وضعیت حادثه‌ی در خصوص تعرض به این گونه اموال و وجوه را مد نظر داشته و به لحاظ تغییر وضعیت مرتکب مبنی بر جلوه نمودن سوءنیت خاص آنهم در جهت کسب منافع شخصی برای مرتکب مجازات شدیدتری را در نظر گرفته است. لذا با توجه به محوریت انتفاع شخصی بعنوان نتیجه‌ی این بخش، می‌توان آن را «جرائم مقید» محسوب نمود چرا که برای تشدید مجازات فرد مرتکب حصول نتیجه مبنی بر انتفاع شرط است.

**نکته‌ی چهارم:** استفاده‌ی غیرمجاز از اموال دولتی یا عمومی در خیلی از موارد بواسطه‌ی کثرت ارتکاب قبح خود را از دست داده و عملاً بصورت معمولی درآمد است. مواردی نظیر: تایپ امور شخصی با استفاده از کامپیوتر یا دستگاه تایپ ادارات دولتی، استفاده از تلفنهای اداری برای انجام امور شخصی، استفاده از اوراق اداری و ... مصادیق شایعی است که از لحاظ قانونی در قالب تصرف غیرقانونی در وجوه یا اموال دولتی و عمومی محسوب و از لحاظ پیگیری مشمول ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) می‌شوند ولی همانگونه که بیان شد بعلاوه استفاده مکررگویی قانونی گردیده است. شایان ذکر است برخی اساتید معتقدند نمی‌توان مواردی همچون استفاده از اوراق و سربرگهای

اداری را مضمول این ماده دانست<sup>۴۹</sup> که به نظر ما اعتقاد به ناچیز و کم ارزش بودن مثالهای معنونه باعث بوجود آمدن این اعتقاد شده است. حال آنکه،

اولاً: در مفاد ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) به نحو اطلاق و عام از اموال و وجوه دولتی و عمومی نام برده و میزان آن مشخص نشده است. ثانیاً: در صورت تکرار این گونه اقدامات قطعاً جمع اوراق مذکور و نیز سایر اموال به نظر ناچیز مقدار قابل توجهی خواهد شد. ثالثاً: شاید نتوان در محاکم دادگستری به پیگیری موضوع پرداخت ولیکن با توجه به پیش‌بینی این گونه تصرفات در قوانین مربوط می‌توان آنها را در مراجع رسیدگی به تخلفات اداری و ... تحت پیگرد قرار داد.

## ۲- مصرف اعتبار بغاظر اموری که در قانون اعتباری برای آنها منظور نشده است

در روند تعیین بودجه «اصطلاحاً بودجه‌ریزی» به امور ضروری و مورد احتیاج دستگاههای مورد نظر توجه شده و موارد ممنوعه نیز از نظر دور نمی‌ماند. در همین راستا قانونگذار عاملین اجرای هزینه‌های اعتبارات را از صرف آن در غیر موارد مصرح منع و انجام این کار را «ممنوع» می‌نماید. لذا مصرف کردن اعتبارات در محلهایی که اعتباری برای آنها منظور نشده بواسطه وجود منع قانونی تخلف محسوب و به موجب قوانین جاریه مستلزم برخورد قانونی و مجازات مرتکبین می‌باشد. بعنوان مثال: به موجب ماده (۷۱) مکرر قانون محاسبات عمومی کشور (موضوع متن ذیل ماده ۵ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت): «پرداخت هرگونه وجهی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، شرکتهای دولتی موضوع ماده ۲ این قانون، به دستگاههای اجرایی به عنوان کمک یا هدیه به صورت نقدی و غیر نقدی به جز در مواردی که در مقررات قانونی مربوط تعیین شده یا می‌شود و مبالغی که به دانشگاههای دولتی و احداث خوابگاههای دانشجویی دولتی، مؤسسات آموزش عالی، فرهنگستانها و بنیاد ایران شناسی، طرحهای تحقیقاتی جهاد دانشگاهی و حوزه های علمیه و آموزش و پرورش و سازمان تربیت بدنی ایران و سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی (ره) و شهرکهای علمی و صنعتی و فناوری و تحقیقاتی و

اورژانس و پروژه‌های بهداشتی و ورزشی روستایی پرداخت می‌شود ممنوع است...».

در همین رابطه در مصداقی عینی مسئولین دانشگاه تربیت مدرس بواسطه‌ی پرداخت هزینه‌های چاپ آگهی تسلیت و تشکر به میزان ۱/۴۰۷/۰۰۰ ریال از محل اعتبارات خارج از شمول مشمول این ممنوعیت دانسته شده‌اند. در رأی مربوطه چنین بیان شده که: «... با توجه به نص صریح قانون ممنوعیت وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی از چاپ و انتشار نشریات غیر ضرور مصوب ۱۳۶۵ و بند (ل) تبصره (۱۳) قانون بودجه سال ۱۳۷۶، اقدام مسئولین دانشگاه از مصادیق مصرف در محل فاقد اعتبار قانونی محسوب می‌شود و ... بنابراین هیأت به اتفاق آراء تخلف مسئولین دستگاه مورد بحث را محرز و پرونده جهت ارجاع به مراجع دادگستری در اختیار دادسرای دیوان محاسبات قرار می‌دهد». در این راستا ماده (۳۲) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی انجام هر گونه هزینه را در خصوص چاپ تقویم و سالنامه و اطلاعیه‌های مربوط به تبریک و تشکر و ... را ممنوع دانسته، بدین شرح که: «انجام هر گونه هزینه توسط دستگاههای مذکور در ماده (۳۰) این قانون برای چاپ تقویم و سالنامه و اطلاعیه آگهی های مربوط به تبریک و تشکر و تسلیت و پلاکاردهای تشریفاتی و میهمانی‌های فردی و جمعی داخلی از محل اعتبارات جاری و عمرانی و اعتبارات خارج از شمول و کمکها و درآمدهای اختصاصی قوانین بودجه سنواتی ممنوع و در حکم تصرف غیر قانونی در اموال دولتی و عمومی است».

### ۳- مصرف اعتبار در غیر مورد معین

توجه به قوانین بودجه در خصوص تعیین میزان اعتبار دستگاههای مختلف مؤید این مهم است که قانونگذار صراحتاً محل مصرف اعتبارات را مشخص و بهمین خاطر اجرای دقیق آن را مورد تأکید قرار داده است. حال اگر کارمندی بودجه‌ی مقرر برای موضوعی را در مورد دیگری هزینه نماید بواسطه‌ی مصرف اعتبار در غیر مورد

۵۰- رأی شماره ۶۷۳۷۶ مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۱۸، هیأت دوم مستشاری دیوان محاسبات کشور. به نقل از شجاعی،

معین مرتکب تصرف غیرقانونی شده و مستوجب پیگرد و مجازات می‌باشد. در حقیقت می‌توان اقدام مرتکبین مربوطه را از مصادیق فعل ناشی از ترک فعل<sup>۱</sup> دانست چرا که شخص کارمند علی رغم تکلیف قانونی مبنی بر عدم صرف اعتبار مربوط به موضوعی، این کار را انجام نداده (ترک فعل) و در مقابل اقدام به پرداخت اعتبار مورد نظر در محلی دیگر نموده است (فعل). بعنوان مثال: به موجب بند (ب) تبصره ۱۶ قانون بودجه سال ۱۳۸۴ کل کشور: «به منظور اشاعه و گسترش زبان و ادبیات فارسی و ایجاد تقویت کرسیهای زبان فارسی در خارج از کشور، مبلغ سه میلیارد و هفتصد میلیون (۳/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال از محل اعتبار برنامه خدمات فرهنگی و هنری (۳۰۲۰۲) ذیل ردیف ۱۱۴۰۰۰ قسمت چهارم این قانون در اختیار شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی قرار می‌گیرد تا بر اساس مصوبات شورا تمام فعالیتها در این زمینه از طریق دستگاههای ذیربط اجرا گردد». در همین راستا اگر مسئولین اجرای بودجه‌ی مذکور با اعتقاد به اینکه در محلی دیگر نظیر خرید ساختمان به بخشی از این اعتبار نیاز داشته و در همین رابطه اقدام به خرید ساختمان مورد نظر از این محل نمایند، مرتکب تصرف غیر قانونی شده و مستحق پیگرد و مجازات می‌باشند. در مصداقی عینی اقدام مدیر کل منابع طبیعی استان چهارمحال و بختیاری مبنی بر صرف اعتبار به میزان چهارصد و چهل و پنج هزار ریال برای خرید تلویزیون از اعتبارات خارج از شمول طرح ۲۴ - ج ۴۰۱۰۲ به عنوان ذخیره نزولات آسمانی و تأمین آب مراتع توسط هیأت سوم مستشاری دیوان محاسبات کشور از مصادیق تصرف غیر قانونی محسوب و در خصوص آن چنین بیان شده است که: «نظر به محتویات پرونده و مفاد دادخواست صادره و اظهارات نماینده محترم دادستان و مدافعات خواندگان، خرید یک دستگاه تلویزیون به مبلغ چهارصد و چهل و پنج هزار ریال از محل اعتبارات خارج از شمول طرح شماره ۲۴ - ج ۱، ۲، ۴ با عنوان ذخیره نزولات آسمانی و تأمین آب در مراتع شهرهای بروجن، لردگان، فارسان و شهرکرد توسط اداره کل منابع طبیعی استان مذکور، به لحاظ عدم رعایت مفاد موافقتنامه که در آن خرید تلویزیون پیش بینی نشده است، از مصادیق مصرف در غیر مورد معین است. لذا هیأت به اتفاق آراء عمل مزبور

را جرم تصرف غیر قانونی تشخیص داده و پرونده را جهت ارجاع به دادگستری در اختیار دادرسرای دیوان محاسبات کشور قرار می‌دهد»<sup>۵۲</sup>.

### ب: مصرف زائد بر اعتبار

عبارت «مصرف» در معنای لغوی عبارتست از «خرج و صرف کردن، به کار رفتن، بکار بردن، خرج کردن»<sup>۵۳</sup> و در معنای اصطلاحی آن را «بکار بردن اشیاء در هدف تولید»<sup>۵۴</sup> دانسته‌اند. حال نگاهی به قانون محاسبات عمومی کشور مؤید این مهم است که قانونگذار به تشریح مجاری صرف اعتبار پرداخته و تعریفی در خصوص اصطلاح «مصرف» ارائه نشده است. در این خصوص قانونگذار مجاری صرف اعتبار را تنها در ۲ بخش: هزینه، علی الحساب و پیش پرداخت دانسته است.

در خصوص تعریف «هزینه» ماده ۲۳ (ق. م. ع. ک) بیان میدارد: «هزینه عبارت از پرداختهایی است که بطور قطعی به نینفع در قبال تعهد یا تحت عنوان کمک یا عناوین مشابه با رعایت قوانین و مقررات مربوط صورت می‌گیرد» و در رابطه با تعریف «علی الحساب» به موجب ماده ۲۹ (ق. م. ع. ک): «پرداختی که به منظور ادای قسمتی از تعهد یا رعایت مقررات صورت می‌گیرد». همچنین به موجب ماده ۲۸ قانون مذکور پیش پرداخت: «پرداختی را که از محل اعتبارات مربوط بر اساس احکام و قراردادهای طبق مقررات پیش از انجام تعهد صورت می‌گیرد» دانسته‌اند.

حال با توجه به مصادیق مذکور در ماده ۵۹۸ (ق. م. ا) و عنایت به ماهیت اصطلاح «مصرف» و ارتباط موضوع با اعتبار می‌توان چنین نتیجه گرفت که مصرف فقط ناظر به وجوه نقدی است که به اعتبار وجود مجاری قانونی قابل هزینه می‌باشد. شایان ذکر است: برای اینکه اعتباری به نحو صحیح و قانونی مورد مصرف قرار گیرد

۵۲- رأی شماره ۶۰۲۶۸ مورخ ۱۳۷۴/۹/۱۸، هیأت سوم مستشاری دیوان محاسبات کشور به نقل از شجاعی، قیاض، منبع پیشین، ص ۳۱.

۵۳- دهخدا، علی‌اکبر، منبع پیشین، جلد سیزدهم، سال ۱۳۷۷، ص ۲۱۰۹، همچنین: معین، دکتر محمد، منبع پیشین، جلد اول، ص ۴۱۷۱.

۵۴- «مصرف در مقابل تولید بکار می‌رود بمعنی بکار بردن اشیاء در هدف تولید مانند ساختن بنا از آجر و آهن و دوختن جامه از پارچه و نخ». جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، منبع پیشین، ش ۵۲۲۶، ص ۶۵۶.

لزوماً می‌بایست مراحل را طی نماید. ماده ۵۲ (ق. م. ع. ک) این مراحل را ملحوظ نظر قرار داده است بدین شرح که: «پرداخت» هزینه‌ها به ترتیب پس از طی مراحل تشخیص و تأمین اعتبار و تعهد و تسجیل و حواله و با اعمال نظارت مالی بعمل خواهد آمد». در نتیجه در صورت عدم رعایت مراحل مورد نظر، مورد از مصادیق مشمول منع قانون در خصوص پرداخت می‌باشد. لذا می‌توان گفت: که عنصر مادی مصرف مازاد بر اعتبار پرداخت وجوه به صورت هزینه علی‌الحساب و پیش پرداخت می‌باشد. مضافاً آنکه این مصرف می‌بایست موجبات بروز خسارت را به دولت فراهم آورد.

### نتیجه

در بیان اوصاف جرم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی می‌توان گفت که این جرم یکی از جرائم خاص کارمندان و کارکنان دولت فارغ از توجه به نوع رابطه‌ی استخدامی آنها اعم از رسمی، غیر رسمی و ... بوده که در راستای انجام وظیفه قانونی، اموال و وجوه دولتی و عمومی را در اختیار گرفته و بدون قصد سلب مالکیت دولت نسبت به این گونه وجوه و اموال، اقدام به تصرف غیر مجاز در آنها کرده است. شایان ذکر آن که برای تحقق این جرم، وجود سوءنیت شرط نیست و صرف تصرف و یا استفاده غیر مجاز در وجوه و اموال مورد نظر، موجبات تحقق آن را فراهم می‌آورد. مضافاً آن که در تصرف غیرقانونی، انتفاع مرتکب شرط نیست.

### منابع

- ۱- اسکینی، دکتر ربیعا، حقوق تجارت (شرکتهای تجاری)، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- ۲- امامی، دکتر سیدحسن، حقوق مدنی، جلد ششم، انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۶.
- ۳- جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۳۷۴.
- ۴- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، جلد دوم، انتشارات مؤسسه لغتنامه دهخدا، چاپ دوم ۱۳۷۳.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد سیزدهم، انتشارات مؤسسه لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۳.
- ۶- زراعت، دکتر عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات ۲)، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۲.



- ۷- ستوده تهرانی، دکتر حسن، حقوق تجارت، جلد سوم، انتشارات دادگستر، چاپ هفتم، ۱۳۸۲.
- ۸- شجاعی، فیاض، جرم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.
- ۹- شمس، دکتر عبدالله، آئین دادرسی مدنی، جلد اول، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۱۰- عرفانی، دکتر محمود، حقوق تجارت، جلد اول، مؤسسه انتشارات دانشگاهی (ماجد)، چاپ هفتم، ۱۳۷۳.
- ۱۱- عمید، حسن، فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
- ۱۲- کاتوزیان، دکتر ناصر، اموال و مالکیت، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- ۱۳- گلدوزیان، دکتر ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۳.
- ۱۴- متین دفتری، دکتر احمد، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد های اول و دوم، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- ۱۵- معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی، جلد اول، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۱۶- ولیدی، دکتر محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی (در تفصیل قواعد تخریب اموال و اتلاف عمدی اسناد)، نشر داد، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۱۷- ولیدی، دکتر محمد صالح، بایسته های حقوق جزای عمومی (مختصر النافع)، انتشارات خورشید، چاپ اول، ۱۳۸۲.